



## آیت الله جوادی آملی: راه مبارزه با عرفان‌های کاذب ارتقای سطح عقلی و علمی جامعه است

جوادی آملی در جلسه درس اخلاق خود گفت: اگر جامعه ما علمی شد بازار مدعیان و عرفان‌های کاذب راکد خواهد بود تنها در این صورت است که ما می‌دانیم از کدام راه وارد شویم و از کدام راه نیازمان را برطرف کنیم.

جوادی آملی در جلسه درس اخلاق خود گفت: اگر جامعه ما علمی شد بازار مدعیان و عرفان‌های کاذب راکد خواهد بود تنها در این صورت است که ما می‌دانیم از کدام راه وارد شویم و از کدام راه نیازمان را برطرف کنیم.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در درس اخلاق این هفته خود که در محل نمازخانه بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء، برگزار شد، مساله مرگ و رابطه آن با زندگی دنیوی انسان را مورد اشاره قرار داد و بیان داشت: مرگ عصاره زندگی است. اگر کسی در دوران زندگی با عقل و عدل زندگی کرد، مرگ او مرگ طیب است و اگر بدون عقل و عدل زندگی کرد، مرگ او مرگ جاهلیت است اما آنچه در این بین اصل است این است که از وجود مبارک پیامبر گرامی اسلام نقل کرد «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة».

وی در ادامه به تعبیر قرآن از اصل امامت اشاره کرد و اظهار داشت: امامت عهدالله و از طرف خداست و امام ولی‌الله است. تعبیر قرآن در جریان امامت بعد از نقل داستان وجود مبارک ابراهیم خلیل(ع) این است که فرمود وجود مبارک ابراهیم، امامت را برای ذریه خود درخواست کرد اما خداوند فرمود امامت به ذریه‌ات می‌رسد اما آن ذریه‌ای که عاقل و عادل و منزه و به دور از ستم‌اند.

وی سپس به تبیین ارتباط معنوی رسالت و امامت پرداخت و اذعان داشت: رسالت، عهد الهی است. خدا می‌داند به چه کسی رسالت می‌دهد چون از درون و بیرون و عصمت افراد باخبر است لذا عهد خدا همان‌طوری که به صورت رسالت ظهور می‌کند، به صورت امامت هم جلوه می‌کند و همان‌طوری که زندگی بدون رسالت، زندگی جاهلیت است زندگی بدون امامت و امام‌شناسی هم زندگی جاهلیت است، این انسجام و هماهنگی و بستگی آیات و روایات را ملاحظه می‌کنید. این نشان می‌دهد که هر جا سخن از امامت است آن را وصل به رسالت می‌کنند و هر جا سخن از رسالت است آن را وصف به توحید می‌کنند که اینها مظهر خدایند، خلیفه خدایند، سیمت را از طرف خدا دارند.

وی خاطرنشان کرد: افراد باید در مسائل اعتقادی و عملی و حقوقی و فقهی و مانند آن مطیع پیامبر باشد چون رسول از آن جهت که رسول است از خود هیچ ندارد. فقط پیام الهی را تلقی می‌کند و آن را را باور دارد و به آن عمل می‌کند و پیام الهی را ابلاغ می‌کند لذا اگر خدا فرمود اطاعت رسول، اطاعت من است همین رسول فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» هر که تحت ولایت من است باید تحت ولایت علی باشد.

آیت الله جوادی آملی اظهار داشت: امامت یک امر مردمی و مردم‌نهاد نیست که مردم، امام را انتخاب کنند. از سقیفه امامت بر نمی‌آید. این‌طور نیست که مردم جمع بشوند و کسی را به عنوان امام انتخاب کنند. این شدنی نیست. چون امام باید معصوم باشد و عصمت افراد را هم غیر از ذات اقدس الهی کسی باخبر نیست. اگر کسی بخواهد به هدایت برسد باید بداند که امامت، تتمه مسئله رسالت است. همچنین رسول، خلیفه‌الله است و ما تا رسول را نشناسیم، امام را نخواهیم شناخت و ما تا الله را نشناسیم رسول الله را نمی‌شناسیم، تا مستخلف‌عنه را نشناسیم خلیفه را نمی‌شناسیم.

وی در پایان تعمق و تدبر در برخی ادعیه را باعث رشد معرفتی انسان دانست و فرمود: دعاها و اذکار همه‌اش درس است. ما باید سعی کنیم با این دعا خواندن‌ها و بررسی و بحث آنها، خودمان را بالاتر بیاوریم آن وقت جامعه ما می‌شود جامعه عقلی. اگر جامعه ما جامعه علمی شد دیگر بازار مدعیان و عرفان‌های کاذب راکد خواهد بود. تنها در این صورت است که ما خواهیم دانست از کدام راه وارد شویم و از کدام راه نیاز خودمان را برطرف کنیم و مشکل علمی و عملی‌مان را حل کنیم.